

یونس از خداوند می‌گریزد

1 کلام خداوند بر یونس پسر امتّای نازل شده، گفت: 2 «برخیز و به نینوا، آن شهر بزرگ برو و بر ضد آن فریاد برآور، زیرا شرارت آن به حضور من سر برکشیده است.» 3 اما یونس برخاست تا از حضور خداوند به ترشیش بگریزد! پس به یافا فرود آمد. در آنجا کشتی‌ای یافت که عازم ترشیش بود. کرایه‌اش را داد و سوار شد تا همراه ایشان از حضور خداوند به ترشیش بگریزد.

یونان یهرب إلى ترشیش

1 و صارَ قَوْلُ الرَّبِّ إِلَى يُونَانَ بْنِ أَمْتَائِي قَائِلًا:

2 «قُمْ اذْهَبْ إِلَى نِينَوَى الْمَدِينَةِ الْعَظِيمَةِ وَنَادِ عَلَيْهَا، لِأَنَّهُ قَدْ صَعِدَ شَرُّهُمْ أَمَامِي.»

3 فقامَ يُونانُ لِيَهْرُبَ إِلَى تَرشِيشَ مِنْ وَجْهِ الرَّبِّ، فَنَزَلَ إِلَى يَافَا وَوَجَدَ سَفِينَةَ ذَاهِبَةً إِلَى تَرشِيشَ، فَدَفَعَ أَجْرَتَهَا وَنَزَلَ فِيهَا، لِيَذْهَبَ مَعَهُمْ إِلَى تَرشِيشَ مِنْ وَجْهِ الرَّبِّ.

4 فَأَرْسَلَ الرَّبُّ رِيحًا شَدِيدَةً إِلَى الْبَحْرِ،
فَحَدَّثَتْ نَوْءٌ عَظِيمٌ فِي الْبَحْرِ حَتَّى كَادَتْ
السَّفِينَةَ تَتَكْسَرُ.

5 فَخَافَ الْمَلَّاحُونَ وَصَرَخُوا كُلُّ وَاحِدٍ
إِلَى إِلَهِهِ، وَطَرَحُوا الْأَمْتِعَةَ الَّتِي فِي
السَّفِينَةِ إِلَى الْبَحْرِ لِيُخَفِّفُوا عَنْهُمْ. وَأَمَّا
يُونَانُ فَكَانَ قَدْ نَزَلَ إِلَى جَوْفِ السَّفِينَةِ
وَاضْطَجَعَ وَنَامَ نَوْمًا ثَقِيلًا.

6 فَجَاءَ إِلَيْهِ رَئِيسُ النُّوتِيَّةِ وَقَالَ لَهُ:
«مَا لَكَ نَائِمًا؟ قُمْ اصْرُخْ إِلَى إِلَهِكَ
عَسَى أَنْ يَفْتَكِرَ إِلَهُهُ فِينَا فَلَا نَهْلِكَ».

4 اما خداوند بادی شدید بر دریا
وزانید، و چنان توفانی عظیم برخاست
که چیزی نمانده بود کشتی در هم
بشکند. 5 ملوانان به وحشت افتادند و
هر یک نزد خدای خویش فریاد
بر آوردند. آنها بار کشتی را به دریا
ریختند تا آن را سبک کنند. اما پیش از
این، یونس به اندرون کشتی فرود شده
و دراز کشیده بود، و در خوابی
سنگین بود. 6 ناخدای کشتی نزد او
رفت و گفت: «چگونه می‌توانی راحت
بخوابی؟ برخیز و خدایت را بخوان،
شاید آن خدا بر ما نظر کند و هلاک
نشویم.»

7 وَقَالَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ: «هَلُمَّ نُلْقِي
قُرْعًا لَنَعْرِفَ بِسَبَبٍ مِّنْ هَذِهِ الْبَلِيَّةِ».
فَالْقَوْمُ قُرْعًا، فَوَقَعَتِ الْقُرْعَةُ عَلَى
يُونَانَ.

8 فَقَالُوا لَهُ: «أَخْبِرْنَا بِسَبَبٍ مِّنْ هَذِهِ
الْمُصِيبَةِ عَلَيْنَا؟ مَا هُوَ عَمَلُكَ؟ وَمِنْ
أَيْنَ أَتَيْتَ؟ مَا هِيَ أَرْضُكَ؟ وَمِنْ أَيِّ
شَعْبٍ أَنْتَ؟»

9 فَقَالَ لَهُمْ: «أَنَا عِبْرَانِيٌّ، وَأَنَا
خَائِفٌ مِنَ الرَّبِّ إِلَهِ السَّمَاءِ الَّذِي
صَنَعَ الْبَحْرَ وَالْبَرَّ».

7 آنگاه ملوانان به یکدیگر گفتند:
«بیایید قرعه بیفکنیم تا دریابیم به
سبب چه کسی این بلا بر ما نازل شده
است.» پس چنین کردند و قرعه به
نام یونس افتاد. 8 بنابراین از او
پرسیدند: «به ما بگو به سبب چه
کسی این بلا بر ما نازل شده است؟
پیشات چیست؟ از کجا می آیی؟
سرزمینت کجاست؟ از کدامین قوم
هستی؟» 9 یونس پاسخ داد: «من
عبرانی هستم و ترس یهوه، خدای
آسمان را به دل دارم، همان که دریا
و خشکی را آفرید.»

10 آن مردان سخت به وحشت افتادند و از او پرسیدند: «این چه کاری است که کرده‌ای؟» زیرا می‌دانستند از حضور خداوند می‌گریزد، چراکه خود پیشتر بدیشان گفته بود.

11 دریا همچنان متلاطم و متلاطم‌تر می‌شد. پس از او پرسیدند: «با تو چه کنیم تا دریا بر ما آرام شود؟» 12 یونس گفت: «مرا برگرفته، به دریا افکنید تا دریا بر شما آرام شود. زیرا می‌دانم این توفان عظیم به سبب من بر شما نازل شده است.» 13 اما آن مردان سخت پاره شدند تا کشتی را به خشکی بازگردانند، ولی نتوانستند. زیرا دریا هر لحظه بر ضد آنها متلاطم و متلاطم‌تر می‌شد.

10 فَخَافَ الرَّجَالُ خَوْفًا عَظِيمًا، وَقَالُوا لَهُ: «لِمَاذَا فَعَلْتَ هَذَا؟» فَإِنَّ الرَّجَالَ عَرَفُوا أَنَّهُ هَارِبٌ مِنْ وَجهِ الرَّبِّ، لِأَنَّهُ أَخْبَرَهُمْ. 11 فَقَالُوا لَهُ: «مَاذَا نَصْنَعُ بِكَ لَيْسَكُنَّ الْبَحْرُ عَنَّا؟» لِأَنَّ الْبَحْرَ كَانَ يَزِدُّ اضْطِرَابًا. 12 فَقَالَ لَهُمْ: «خُذُونِي وَاطْرَحُونِي فِي الْبَحْرِ فَيَسْكُنَ الْبَحْرُ عَنْكُمْ، لِأَنِّي عَلِيمٌ أَنَّهُ بِسَبَبِي هَذَا النَّوْءُ الْعَظِيمُ عَلَيْكُمْ».

13 وَلَكِنَّ الرَّجَالَ جَذَفُوا لِيُرْجَعُوا إِلَى الْبَرِّ فَلَمْ يَسْتَطِيعُوا، لِأَنَّ الْبَحْرَ كَانَ يَزِدُّ اضْطِرَابًا عَلَيْهِمْ.

14 پس به درگاه خداوند فریاد
برآوردند که: «آه، ای خداوند، تمنا
اینکه به سبب جان این شخص تلف
نشویم. مگذار دست ما به خون
بی‌گناهی آلوده شود. زیرا تو ای
خداوند، هر چه خواهی می‌کنی.»
15 آنگاه یونس را برگرفته، به دریا
افکندند، و دریا از خروش خود آرام
گرفت.

16 آن مردان سخت از خداوند
ترسیدند و قربانیها به او تقدیم
کرده، برایش نذرها نمودند.

14 فَصَرَخُوا إِلَى الرَّبِّ وَقَالُوا: «آه
يَا رَبُّ، لَا نَهْلِكُ مِنْ أَجْلِ نَفْسِ هَذَا
الرَّجُلِ، وَلَا تَجْعَلْ عَلَيْنَا دَمًا بَرِيئًا،
لَأَنَّكَ يَا رَبُّ فَعَلْتَ كَمَا شِئْتَ.»

15 ثُمَّ أَخَذُوا يُونَانَ وَطَرَحُوهُ فِي
الْبَحْرِ، فَوَقَفَ الْبَحْرُ عَنِ هَيْجَانِهِ.

16 فَخَافَ الرِّجَالُ مِنَ الرَّبِّ خَوْفًا
عَظِيمًا، وَذَبَحُوا ذَبِيحَةً لِلرَّبِّ
وَنَذَرُوا نَذِيرًا.

دعای یونس

1 و یونس از شکم ماهی نزد یهوه، خدای خود
دعا کرد 2 و گفت:

«در تنگی خویش نزد خداوند فریاد برآوردم
و او مرا مستجاب فرمود.

از شکم هاویه فریاد کمک سر دادم
و تو آواز مرا شنیدی.

3 مرا به ژرفا افکنده بودی،
به قعر دریاها؛

سیلابها مرا احاطه کرد،
و همه موج و خیزابهایت
مرا درنوردید.

صلاة یونان

1 فَصَلَّى يُونَانَ إِلَى الرَّبِّ إِلَهِهِ مِنْ
جَوْفِ الْحَوْتِ،

2 وَقَالَ: «دَعَوْتُ مِنْ ضَيْقِي الرَّبَّ،
فَاسْتَجَابَنِي. صَرَخْتُ مِنْ جَوْفِ
الْهَاطِيَةِ، فَسَمِعَتْ صَوْتِي.

3 لِأَنَّكَ طَرَحْتَنِي فِي الْعُمُقِ فِي قَلْبِ
الْبَحَارِ، فَأَحَاطَ بِي نَهْرٌ. جَاوَزَتْ فَوْقِي
جَمِيعُ تِيَّارَاتِكَ وَلُجَجِكَ.

10 پس خداوند ماهی را امر
فرمود، و ماهی یونس را بر زمین
خشک فی کرد.

10 وَأَمَرَ الرَّبُّ الْحَوْتَ فَقَذَفَ
يُونَانَ إِلَى الْبَرِّ.

1 یونس واقعاً شناخته شده است. در تمامی سه کتاب بزرگ دینی دیگر نیز، حتماً متنی به او اختصاص دارد و چندین بار از وی به عنوان شخصیتی برجسته یاد شده است. او انگیزه اصلی یک نقاشی، یعنی یک ماهی بزرگ است، که آن را در طول قرن های متمادی در تاریخ هنر بر روی دیوارهای کاتاکومب رومی یا در نقاشی های روغنی روی بوم نقاشان معروف دیده ایم

1. یونان يعتبر من شخصيات الكتاب المقدس المميزه والذي تم ذكره في الكتب الديانات الثلاثة

، التي تحكي عن رجل داخل بطن الحوت

والذي تم تصويرها في الفن الروماني القديم علي الجدران بالوحات من الزيت .

يعرفه كل طفل في المدرسة الابتدائية في ألمانيا تقريباً.

2 ابتدا داستان او را از کتاب مقدس شنیدیم و این شاید برای ما یادآوری به سمت یونس باشد. وقتی یونس روی سطح آب ظاهر شد و زنده ماند. به همین دلیل نام او بسیار متناسب است به معنی کبوتر. کبوتر در هوا بال میزند. کبوتر وقتی با شاخه سبز در منقار خود به کشتی نوح بازمی‌گردد، در زندگی انسانها و حیوانات نجات یافته از طوفان نقش مهمی را در عهد عتیق ایفا می‌کند و آنها را به وجد می‌آورد. کبوتر نشان دهنده زندگی است. در عهد جدید نیز در جریان تعمید عیسی، خدای پدر در آسمان خدای پسر به عنوان انسانی واقعی و کبوتر به عنوان نشانه ای از روح القدس در نظر گرفته شده است

2. لقد سمعنا للتو بداية قصته كقراءة كتابية و ربما نذكر يونان. عندما خرمن جوف الحوت وهو حي.
معني اسم يونان - يعني "حمامة". الحمامة ترفرف بجناحيها في السماوات. إنها تلعب دورًا مهمًا في العهد القديم هي من اتت ا
بفرع أخضر في المنقار إلى سفينة نوح وبشرته بالخلاص من الطوفان. الحمامة تعني الحياة. في العهد الجديد تظهر نفسه ، مثال على معمودية يسوع ، الله الثالوث ، الله الآب السماوي ، الله الابن كإنسان حقيقي والحمامة علامة الروح القدس

3. این مرد با نام یونس باید پیامی را برساند. اما در زمان انبیا اسرائیل کمتر پیامی با مضمونی خوب وجود دارد و اکثراً پیام‌ها هشدار و یا ندایی جهت توبه هستند. خداوند به او فرمان می‌دهد که سقوط شهر را به مردم نینوا اعلام کند. برخیز و به شهر نینوا برو و برای آنها موعظه کن زیرا شرارت آنها نازد من آمده است
یونس 1 و 2

خداوند به یونس روی می‌آورد اما او رویش را برمی‌گرداند و یا بهتر بگوییم او سعی در مخالفت با فرمان خداوند بر می‌آید و سعی می‌کند در جهت مخالف نینوا به شهر تارسیس فرار کند. به همین جهت است که به او لقب یونس، پیامبر لجباز داده شده است

3. على الرجل المسمى يونان إيصال رسالة. لكن في ذلك الوقت

كانوا أنبياء إسرائيل نادرا ما يحذرون ويدعون الناس

للتوبة. أمر الله يونان أن يذهب الي أهل نينوى.
"قم واذهب إلى مدينة نينوى العظيمة

وعظهم. لان شرهم قد جاء امامي." (يونا 1:
2) هكذا

يتجه الله إلى يونان. ويونس؟ يستدار ، أو أفضل
من قال: هو

يستدير ويريد الفرار من هذه المهمة في

الاتجاه المعاكس ، نحو تارسیس. أعطاه هذا
السلوك

اسم جديد ليونان : يونان النبي العنيد

4. اما آیا واقعاً فردی لجباز بود؟ دلیل واقعی این امر چه بود؟

کتاب مقدس مخصوص کودکان همواره تصویر خاصی از او ارائه می‌دهد. پیامبری که از فرمان خداوند فرار می‌کند و به این امید که خداوند او را نمی‌بیند در محل بارگیری کشتی پنهان میشود. با این حال هر کودکی می‌داند که جایی نیست که خداوند در آن نباشد و چیزی نیست که از او پنهان بماند. پس به چه دلیل داستان یونس نبی برای ما اینگونه روایت شده است؟

4. ولكن هل يونان عنيد حقا؟ ما هو السبب الحقيقي؟

غالبًا ما ترسم أناجيل الأطفال صورة معينة له - نبي

الله يهرب ، الذي يختبئ في عنبر السفينة ، في مكان

يتمنى أن لا يراه الله هناك. ومع ذلك ، يعرف كل طفل أنه كذلك

لا يوجد مكان لا يوجد فيه الله. ولكن لماذا هو

قصة النبي يونان روت في الكتاب المقدس بهذه الطريقة؟

5 کتاب یونس در نوع خود بسیار ویژه و خاص است. این تنها کتابی از روایت پیامبران است که داستان یک پیامبر با خداوند را در قالب رمانی کوتاه روایت می کند و مأموریت و مضمون کلام نبوی چندان در پیش زمینه داستان دیده نمی شود. پس موضوع چیست؟

کلام خداوند به یونس ابلاغ می شود و به این ترتیب این ماجرا آغاز می گردد. به همین دلیل است که این داستان در خصوص یونس، خداوند و کلام اوست. یونس، خداوند و کلام رابطه بسیار خاص با هم دارند و این امر زمانی بسیار واضح تر به نظر می رسد که یونس خود را در کشتی قرار می دهد و خداوند طوفانی را در دریا به وجود می آورد. می خوانیم که تمامی دریانوردان و ملوانان می ترسند و فریاد می کشند و هر کدام به خدایان خود پناه می برند اما طوفان فروکش نمی کند

5. سفر یونان ممیز فی نوعه ، كما أخبره سفر الأنبياء الوحيد

على شكل رواية قصيرة قصة نبي مع الله. ومحتوى عن الرسول ليسا كثيرا في

المقدمة. لكن ماذا بعد ذلك؟ صارت كلمة الرب إلى يونان ومعها

تبدأ القصة. هذا ما يدور حوله ، يونان والله وكلمته.

لدى يونان والله والكلمة علاقة خاصة مع بعضهما البعض. الذي

يتضح عندما كان يونان في السفينة. أرسل الله عاصفة

البحر. لقد قرأنا أن البحارة خائفون ويصرخون ، الجميع

صرخوا للإله. لكن العاصفة لا تهدأ

6 سپس فرمانده کشتی به سوی یونس که در خواب است می رود و از او می خواهد از خداوند خود نجات آنها را از این طوفان سهمگین بخواهد. یونس دعا نمی کند، اما در صدد لجبازی هم نیست. در این لحظه اما او اعترافی شگفت انگیز می کند. او می گوید: من عبرانیم و از پروردگاری که خداوند آسمان است و دریا و خشکی را به وجود آورده میترسم. هنگامی که اعتراف می کند که خداوند او خدای آسمان است، در واقع از این طریق می توان دریافت که خداوند منشاء این باد و طوفان است و هنگامی که به دریا اشاره می کند در واقع در پی بیان این امر است که افرادی که با یونس در کشتی اند در واقع عناصر خداوند هستند

6. ثم نزل ربان السفينة إلى يونان النائم وسأله:

لتدعوا الهك لإنقاذنا. يونان لا يصلي. لكن لا هو كذلك

مزعج. إنه يقوم بمهنة رائعة: أنا عبري

واتقوا الرب اله السماء الذي هو صنع البحر والبر عندما قال يونان أن إلهه إله السماء ،

ثم يمكن للمرء أن يسمع منه أن الله هو أصل الريح. إذا هو

ايضا صنع البحر. الشعب في السفينة مع يونان

طلبوا الله.

7 و این خداوند است که همچنين خشکی ها را بنا نهاده است، با امنیتی فراوان، امنیتی که در این داستان آرزوی آن لحظه طوفان زدگان بود. یونس از این خداوند می ترسد، در واقع در بیانی امروزی تر، خداوند برای او دارای معنی بسیار عظیمی بود. اما او میترسد، از چیزی که اگر او کلام خداوند را بپذیرد و به سمت نینوا برود اتفاق خواهد افتاد. و این امر آنچنان در او به وضوح قابل مشاهده است که اکنون تمامی ملوانان نیز قادر به درک رابطه خاص او با خداوند بودند. آنها با حالتی سرشار از ترس از او می پرسند که یونس، چه کرده ای؟ زیرا آنها نمی دانستند که او از کلام خداوند می گریزد. سپس یونس دلیل فرارش را به آنها گفت

7. وهذه اليابسة ايضا صنعها ذلك الاله ، بحسب

التي يتوقعون . يخاف يونان هذا الإله في لغتنا اليوم

نقول: هذا الله له أهمية كبيرة. لكن يونان

يخاف شيئاً ما ، شيئاً ما سيحدث إذا اتبع كلمة الله و

يذهب الى نينوى. حتى البحارة يفهمون الآن أن يونان والله علي

علاقة خاصة جدا مع بعضها البعض. ما الذي فعلته يسألون ، الآن هم مليئين بالخوف.

8 با این وجود ملوانان با تمام وجود در
صدد نجات خود و یونس بر می آیند.
آنها پارو می زنند و قایقرانی می کنند تا
آنجا که می فهمند قادر به جان سالم به
در بردن از این طوفان نیستند. اما با
اینکه یونس برای آنها فردی کاملاً
غریبه است آنها هیچگاه در صدد این
امر بر نمی آیند که او را به دریا
بیاندازند حتی با وجود اینکه آن ها
خداوند یونس را نمی شناختند. اما
یونس در این فکر بود ، او به آنها
می گوید مرا بگیرید و به دریا بیندازید تا
طوفان آرام بگیرد و شما اینگونه رها
خواهید شد

8لأنهم علموا أنه هرب من أمام الرب
ومع ذلك ، يحاول الفريق أولاً بكل قوتهم
انقاذ أنفسهم و
يجدفون ويجدفون حتى يدركوا أن لا يوجد
حل الا التخلص منه لتخلص منه
سيساعدهم للوصول إلى الشاطئ.. على
الرغم من أن يونان غريب
وهم كذلك لا يؤمنون بالله ، لم يفكرو
في رمي يونان في
البحر. لكن يونان كان يعرف ذلك وقال .
خذوني ، ينادي ، و
ارمياني في البحر. هكذا سيصبح البحر
ساكناً

9 یونس هیچ مقاومتی از خود نشان نمی‌دهد و آماده است تا این فداکاری را انجام دهد و شاید به دلیل همین اعتراف و فداکاری از سوی یونس باشد که ملوانان آن گونه تحت تاثیر قرار می‌گیرند که اکنون آنها با خداوند صحبت می‌کند و برای نجات و آمرزش یونس که از فرمان خداوند امتناع کرده دعا می‌کنند اما بعد از این که تو طوفان آرام نمی‌گیرد آنها تصمیم یونس را انجام داده و او را به دریا می‌اندازند و اینگونه است که دریا آرام می‌گیرد

9. وعلی الرغم من عدم مقاومة يونان لم يكن هناك حل غير التضحيه

وقد انبهر البحارة لدرجة أنهم بدورهم يصلون إلى اله يونان للخلاص والمغفرة لما فعلوه بيونان. لكن بعد ان

رموه في البحر. يهدأ البحر ويترك هيجانه.

10 خداوند و یونس مانند پدر و پسر در باغ جستمایی رابطه ای بسیار خاص با یکدیگر دارند. اکنون چه می شود؟ خداوند چه نقشه ای دارد. این بخش داستان را می توان هیجان انگیز ترین بخش آن دانست. خداوند ماهی بزرگ به سوی یونس می فرستد تا او را ببلعد. یونس بیش از سه شب و سه روز در شکم ماهی می ماند و کاری که ظاهراً یونس در کشتی قادر به انجام آن نبود اکنون در حال رخ دادن بود. یونس در بدن ماهی شروع به دعا کردن می نماید

10. الله و یونان لديهما علاقة خاصة مع بعضهما البعض ، تقریباً مثل أب و ابنه في بستان جثماني. ماذا الآن؟ الله لديه خطة.

يمكن رؤية في هذا المشهد الأكثر إثارة في السرد. لأنه يرسل الي يونان سمكة كبيرة لتأكله. وبقيا يونان في بطن الحوت ثلاثة أيام وثلاث ليال. ما لما يفعله يونان على السفينة

على ما يبدو غير ممكن ، يحدث الآن: صلى يونان إلى الرب إلهه في بطن الحوت

11 این فضا همچون خلوتی است که به طور ناگهانی برای او ایجاد شده است. در این شرایط یونس، و خداوند و کلام خداوند در رابطه خاص با یکدیگر قرار می گیرند و این امر از نحوه دعای یونس برای پروردگار کاملاً مشهود است. این دعا متن بسیار خارق العاده ای دارد که در کتاب مقدس موجود است و توصیه می کنم که حتماً خودتان آن را بخوانید

11. هذا العزلة الكاملة مثل الفضاء الذي تم إنشاؤه فجأة. يونان والله وكلمته لهما الذي يتضح من الطريقة التي يخاطب بها يونان الله. انه تربطه بالله علاقة قوية جدا هذه الصلاة هي نص غير عادي للغاية فرید من نوعه في الكتاب المقدس. استمع

صلاة یونان

2وقال: «دَعَوْتُ مِنْ ضِيقِي الرَّبَّ،
فاسْتَجَابَنِي. صَرَخْتُ مِنْ جَوْفِ
الْهَائِيَةِ، فَسَمِعْتَ صَوْتِي. 3لَأَنَّكَ
طَرَحْتَنِي فِي الْعُمُقِ فِي قَلْبِ الْبِحَارِ،
فَأَحَاطَ بِي نَهْرٌ. جَاذَتْ فَوْقِي جَمِيعُ
تِيَّارَاتِكَ وَلَجَجِكَ.

10وأَمَرَ الرَّبُّ الْحَوْتَ فَقَذَفَ يُونَانَ إِلَى
الْبَرِّ.

2»به هنگام سختی، خداوند را
خواندم و او مرا اجابت فرمود. از
عالم مرگ فریاد برآوردم و تو ای
خداوند، به داد من رسیدی! 3مرا به
اعماق دریا انداختی. در سیلابها غرق
شدم و امواج خروشان مرا پوشانید.

10آنگاه خداوند به ماهی امر فرمود
که یونس را از دهان خود به ساحل
ببفکند و ماهی چنین کرد.

13 این مزمور دعاهاى یونس را بازگو کرده است. و این دعاها در واقع دعاهاى یک فرد ناامید و پر از ترس از مرگ نیست و در واقع دعای شکرگزاری فردی نجات یافته است. در این دعاها یونس از رحمت خداوند لذت می برد. در آیین یهودیان، دعای یونس برای خداوند در ششم ماهی در روز کفاره، مقدس ترین جشن یهودیان خوانده می شود. در کلیسای پروتستان نیز دعای یونس در روز شنبه نیک خوانده می شود. این امر تعجب آور نیست زیرا داستان هردوی عیسی و یونس در خصوص زندگی، مرگ و رستاخیز است

13. یعيد المزمور الحديث بين يونان وإلهه. يوجد

ليس كلام انسان يائس خاف من الموت. بل ، هذه الصلاة

صلاة الشكر مخلصه. يونان يستمتع بصلاح الله. في اليهودية

أصبح التقليد صلاة يونان في يوم الغفران ، يوم الكفارة ،

، أقدس عيد يهودي. إنه في سنة الكنيسة البروتستانتية نصلي بصلاة يونان في القراءات يوم السبت المقدس. هذا ليس مستغربا

لأن كل من يونان ويسوع يتحدثان حول الحياة والموت و القيامة.

14 یک دانشمند الهیات وضعیت یونس در شکم ماهی را زنده ماندن در غلاف فرار توصیف می کند که یک تصویر سازی قوی از زمان ماست. امروزه غلاف های فرار بخشی از سیستم های امنیتی به کار برده شده در زیردریایی ها و وسایل نقلیه هوایی هستند. در واقع این اصطلاح اشاره به پیاده شدن از کشتی در شرایط و زمان های اضطراری دارد. یونس نیز سه روز و سه شب در شکم ماهی بود. دقیقاً برابر با فاصله زمان مرگ و رستاخیز عیسی و این امر به هیچ وجه اتفاقی نیست. یونس نیز مانند فردی مرده بود

14. أحد اللاهوتيين يصف وضع يونان في بطن الحوت على أنه بقاء في "حجرة الهروب". هذه صورة قوية من عصرنا.

تعتبر كبسولات الهروب جزءًا من أنظمة السلامة الموجودة على متن الطائرة

سفن الفضاء أو الغواصات. إنها بمثابة وسيلة لتحويل السفينة إلى سفينة واحدة

يمكن تركها في حالة الطوارئ في أسرع وقت ممكن. يبقى يونان في بطن الحوت ثلاث

أيام وثلاث ليال. هذا بالتوازي مع الفترة ما بين موت يسوع و

القيامة بالتأكيد ليست مصادفة.

15. ربما احتاج يونان هذا الفتره في بطن الحوت الذي أرسله الله ،

ليشعر بالحياة ويواجه تحديات الحياة «هناك في الخارج» سيطلب منه أن يكبر مرة أخرى. يونان يريد أن يهرب

على الرغم من أنه يعلم بالفعل أن الله موجود دائماً.

وانه يمكن ان تضرب الامواج العالية حياته لدرجة أنه لا يرى مخرجاً

ولكن وضعه الله في رعايته. لا يزال ليونان غير واضح كيف ستكون حياته

وكيف سوف تستمر. لكنه يشعر أنه سيستمر.

15 شاید یونس به این ماندن در شکم ماهی که از سوی خداوند فرستاده شده بود نیاز داشت تا بتواند از پس چالش‌های آتیه زندگی سربلند بیرون بیاید. یونس قصد فرار داشت ، اگرچه آگاه بود که خداوند همیشه حاضر است. وقتی امواج زندگی او چنان متلاطم می شوند که او دیگر نمی تواند راهی برای خروج از آنها بیابد خداوند او را تحت مراقبت خود قرار می دهد. در این لحظه همچنان برای یونس شکل ادامه یافتن زندگی اش پس از این ماجرا مشخص نیست اما او این احساس را دارد که زندگی او ادامه خواهد داشت

16 در نیمه این راه برای تشکر از خداوند دعا می کند. من می خواهم برای تشکر از تو، فداکاری کنم. کمک در نزد پروردگار است. حالا یونس خداوند را، تو خطاب می کنی. او تشکر می کند. او که هنوز در شکم ماهی است، به خدای خود بله میگوید، خدایی که او را اکنون اینگونه صدا میزند: خدای من اراده تو اتفاق خواهد افتاد. یونس اکنون خداوند قادر مطلق را می شناسد. اعتماد به خداوند در او چشمگیر است. اگرچه همچنان در شکم ماهی است اما او خود را نجات یافته می داند زیرا او هر آنچه را در زندگی اش پیش بیاید با یک بله خواهد پذیرفت. او دوباره به سطح آب خواهد آمد تا نسبت به خودش و خدایش وفادار بماند

16. اثناء وجود یونان في بطن الحوت وفي منتصف الطريق الي نينوي

صلي يونان صلاة الشكر وهو مازال في بطن الحوت

في كبسولة الانقاذ قال لله نعم

الان اصبح ينادي يونان الله "يا الهي لتكن مشيتك" ويعترف ايضا بقدرة الله المطلقة

هذا الثقة في الله موثره بعمق في يونان علي الرغم من انه مازال في بطن الحوت

في كبسولة الانقاذ واعتبر نفسه انه بالفعل تم انقاذه لانه قارد علي ان يقول "نعم" في حياته

بكل ما تحمله من مشاعر يمكنه الان ان يكون صادقا مع نفسه ومع اله

17 زمانی یک دانش آموز یهودی از معلم خود می پرسد که چرا همچنان این داستان باستانی مربوط به یونس خوانده می شود و دعای غیر عادی او در روز کفاره گفته می شود. معلم به آرامی در گوش شاگرد نجوا میکند: ما یونس هستیم. شاید به همین دلیل است که داستان یونس در کتاب مقدس ما نیز آمده است و شاید چون ما نیز یونس هستیم. گاهی لجبازی، تزلزل یا غرق شدن در خواسته های دنیوی بیشمار زندگی را برایمان سخت می کند

17. يقال أن طالبًا يهوديًا قد سأل معلمه عن السبب في

لا يزال يوم الكفارة يقرون هذه القصة القديمة ليونان

ويصلون هذا الصلاة غريبة. المعلم يهمس بهدوء في الأذن: "لأننا يونان ليس فقط قصه في الكتاب المقدس .

ربما سنفعل نحن أيضا مثله . أحيانا عنيدین و متذبذبین أو

غارقة في الأشياء التي تجعل الحياة صعبة علينا .

18 ما نیز یونس هستیم زیرا ما نیز باید گاهی باید بله خود، وفاداری به اعتقاداتمان، و به دیگران و به خدای خود را دوباره پیدا کنیم. ما نیز از نجات یافتگان ایم و اجازه داریم در نیمه راه زندگی که انتهایش مشخص نیست از خداوند تشکر کنیم. ما می‌دانیم که پروردگارمان مسیح برای ما بر روی صلیب درگذشت و در روز سوم از میان مردگان برخاست، او در سمت راست خدای پدر خواهد نشست، خداوندی که قادر مطلق است و از این طریق است که گناهانمان بخشیده می‌شود و زندگی ابدی خواهیم داشت و روزی از میان مردگان برمیخیزیم

18. نحن يونان لأننا أيضاً وافقنا على "نعم" ، تجاه الله في بعض الأحيان فقط مرة أخرى

تحتاج لتجد. لقد تم إنقاذنا بالفعل وسمح لنا بالمرور في منتصف الطريق

لنقول شكراً لك في حالة عدم اليقين في حياتنا. نحن نعرف

مات الرب يسوع المسيح من أجلنا على الصليب في اليوم الثالث

قام من الأموات ، يجلس لنا عن يمين الله الأب العظيم. وبه تغفر خطايانا ومن خلاله لنا الحياة الأبدية ، والقيامة من الأموات.

19 در واقع عیسی با مرگ بر روی صلیب برای ما خلاف فرار ساخت. خلاف فراری که خود اوست. ما در او هستیم و او در ما. و این را وقتی احساس می‌کنیم که هنوز یک بیماری را پشت سر گذاشته ایم اما یاد می‌گیریم که چگونه با وجود آن بیماری به زندگی ادامه دهیم. این را وقتی حس می‌کنیم که سوگوارییم اما دیگر همچون اوایل سواری درگیر آن نیستیم. این را وقتی حس می‌کنیم که امیدمان هنوز برآورده نشده است اما قبل از برآورده شدن آن شادی را دریافت می‌کنیم. ما از مراقبت خوبی برخورداریم و او همیشه برای ما آماده است. الزاما نباید شرایط به وجود آمده در شکم ماهی باشد، گاهی ممکن است اتافی در یک بیمارستان، یک دفتر کار و یا یک خانه جهت تعطیلاتمان باشد

19. بنی یسوع کبسولة إنقاذ لنا بموته على الصليب. هو بنفسها ، نحن فيه وهو فينا. نشعر بذلك عندما يكون هناك مرض لم ينته بعد ، لكننا نتعلم كيف نتعايش معه. يمكننا أن نشعر به عندما ما زلنا في حداد لكننا لم نعد محاصرين به. نشعر به عندما لم يتحقق أملنا بعد ، ولكن لدينا بالفعل شعور بالترقب فينا لما نتوق إليه. مع ربنا يسوع المسيح نحن في رعاية جيدة. هو دائما معنا . لا يجب أن يكون كذلك بالضرورة أن يكون حوت نبتلع فيه . في بعض الأحيان ربما غرفة مستشفى أو مكتب أو بيت عطلات منعزل.

20 کلیسا نیز یکی از گزینه هاست،
مثل امروز ما در کلیسا که اندکی
تأمل می کنیم ، و برای هفته جدید
آماده می شویم، اعتقاداتمان را قوی
می کنیم ، امیدمان را افزایش می
دهیم ، عشق الهی را تجربه می کنیم
، قلبمان را حس می کنیم ، و زندگی
را آنگونه که هست قبول می کنیم.
شرایط حال زندگی را می پذیریم و به
خداوندمان اعتماد می کنیم و اینگونه
مسیح را در خود حس خواهیم کرد

20. الكنيسة هي أيضا خيار.
مثل هنا اليوم. يمكن أن تعكس
الانتعاش للأسبوع ، وتقوية
الإيمان ، والقيادة ، والأمل
وتزود بالوقود. اختبر محبة
الله. اشعر به في قلبك ، خذ
الحياة ، اقبل حبه . اقبله
وضعي ثقّتك بالله. اشعر
بالمسيح في قلبك

21 چه اتفاقی در ادامه برای یونس افتاد و چه اتفاق در گذشته برای او پیش آمد؟ چرا او در آغاز فرار کرد؟ چه چیزی در خصوص خداوند او را آزار می داد؟ خداوند شرارت نیرومندان را در نینوا مشاهده کرده و قضاوتی را برایشان برنامه ریزی کرده بود، قضاوتی که می خواست یونس آن را اعلام کند. اما یونس میترسید که خداوند بر آنها رحم کند، او ترسید و احساس کرد که نینوا لیاقت این ترحم را ندارد. زیرا او به عنوان یک عبرانی این را می دانست که در کتاب مقدس گفته شده است

21. ماذا حدث ليونان في الارض التي ذهب اليها

وماذا تضيق يونان من الله . الله اعد دينونه لارض نينوي انه سوف يدمرها

وكان علي يونان ان يخبر شعب المدينه ولكن يونان لم يريد ان شعب نينوي يخلص وان تغفر لهم خطاياهم

خداوند مهربان و بخشنده ، صبور و سرشار از خوبی هاست. او بر طبق گناهانمان با ما برخورد نمی‌کند و جبران گناهان ما را به عمل نمی‌آورد. همانقدر که آسمان از زمین بلندتر است او اجازه می‌دهد که فضلش بر کسانی که از او می‌ترسند حکمرانی کند. و به مقدار فاصله صبح و شب او اجازه می‌دهد گناهان ما از ما جدا باشند. همان طور که پدر به فرزندانش رحم میکند، خداوند نیز به کسانی که از او می‌ترسند در رحم خواهد بود

103, 10-8-13 مزمور

آمین

8 الرَّبُّ رَحِيمٌ وَرَوْوْفٌ، طَوِيلُ الرُّوحِ وَكَثِيرُ الرَّحْمَةِ.

9 لَا يُحَاكِمُ إِلَى الْأَبَدِ، وَلَا يَحْقِدُ إِلَى الدَّهْرِ.

10 لَمْ يَصْنَعْ مَعَنَا حَسَبَ خَطَايَانَا، وَلَمْ يُجَازِنَا حَسَبَ آثَامِنَا.

11 لِأَنَّهُ مِثْلُ ارْتِفَاعِ السَّمَاوَاتِ فَوْقَ الْأَرْضِ قَوِيَّتْ رَحْمَتُهُ عَلَى خَائِفِيهِ.

12 كَبُغِدِ الْمَشْرِقِ مِنَ الْمَغْرِبِ أَبْعَدَ عَنَّا مَعْصِينَا.

13 كَمَا يَتَرَأَفُ الْأَبُ عَلَى الْبَيْنِ يَتَرَأَفُ الرَّبُّ عَلَى خَائِفِيهِ.

آمین.